ای مفتون حقيقت و منجذب ملکوت اللّه نامه مفصّل رسيد…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ٢٩

ای مفتون حقيقت و منجذب ملکوت اللّه نامه مفصّل رسيد و از تلاوتش نهايت سرور حاصل گرديد زيرا دليل جليل بر علوّ همّت و سموّ نيّت بود که الحمد للّه خير خواه عالم انسانی و منجذب ملکوت بهائی و مفتون ترقّی عالم بشری هستی اميدوارم که بسبب اين افکار عاليه و انجذابات وجدانيّه و بشارات ملکوتيّه چنان روشن گردی که بپرتو محبّت اللّه بر اعصار و قرون بتابی.

مرقوم نموده بودی که شاگرد مدرسه ترقّی روحانی هستی خوشا بحال تو اگر مدارس ترقّی بمدرسه کلّيّه ملکوت منتهی گردد علوم و معارفی حاصل شود که انسان لوح منشور امکانرا نامتناهی بيند و جميع کائناترا حروف و کلمات مشاهده کند و درس مقامات معنوی خواند آيات توحيد در ذرّات کائنات بيند و نداء ربّ الملکوت بشنود و تأييدات روح القدس مشاهده نمايد و چنان وجد و طرب يابد که در عرصه و سيع امکان نگنجد آهنگ ملکوت کند و بجهان لاهوت شتابد هر مرغی چون پر بروياند در زمين استقرار نيابد باوج اعلی پرواز نمايد مگر مرغانی پا بسته و يا بال و پر شکسته و يا آلوده بآب و گل نموده. ‌

‌ای حقيقت جو جهان ملکوت يکيست نهايت آنست که بهار تجدّد نمايد و درکائنات حرکت و جنبشی جديد و عظيم بنمايد کوه و دشت زنده شود درختان تر و تازه گردد و برگ و شکوفه و ثمر بطراوتی بی‌اندازه جلوه نمايد لهذا ظهورات سابقه با ظهورات لاحقه نهايت ارتباط دارد بلکه عين يکديگرند امّا کون که ترقّی نمايد شعاع شديدتراست و فيض عظيمتر و آفتاب در دائره نصف نهار جلوه نمايد.

ای طالب ملکوت هر ظهوری جان عالم است و طبيب حاذق هردردمند عالم بشر مريض است آن طبيب حاذق علاج مفيد دارد و بتعاليم و وصايا و نصايحی قيام نمايد که درمان هر درد است و مرهم هر زخم البتّه طبيب دانا احتياجات مريض را درهر موسمی کشف نمايد و بمعالجه پردازد لهذا تعاليم جمال ابهی را تطبيق بلوازم و احتياجات زمانه نما ملاحظه مينمائید که جسم مريض جهانرا علاج برء السّاعه است بل درياق شفای ابديست.

و معالجه اطبّای حاذق سلف و خلف نوع واحد نيست بلکه بمقنضای مرض مريض است هر چند علاج تغيير و تبديل يابد ولی کلّ بجهت صحّت مريض است در ظهورات سابقه جسم عليلعالم تحمّل علاج قوی فائق نداشت اينست که حضرت مسيح فرمود امور بسياريست که لازمست بيان شود ولکن حال شما نتوانيد استماع نمود ولکن چون آن روح تسلّی دهنده که پدر ميفرستد بيايد حقيقت را از برای شما بيان کند.

لهذا در اين عصر انوارتعليم خصوصی عمومی گرديد تا رحمت پروردگار شرق و غرب را احاطه نمايد وحدت عالم انسانی جلوه کند و نورانيّت حقيقت جهان وجدانرا منوّر نمايد.

نزول اورشليم تازه شريعتی است آسمانی و کافل سعادت عالم انسانی و جلوه نورانيّت عالم الهی.

عمّا نوئيل فی الحقيقه مبشّر برجوع ثانی حضرت مسيح بود و منادی طريق ملکوت اين معلومست که حرف عضوی از اعضای کلمه است اين عضويّت عبارت از استفاضه است يعنی اين حرف مستفيض از کلمه است و ارتباط روحانی بکلمه دارد و جزء او محسوب ميشود حواريّون بمنزله حروف بودند و حضرت مسيح جوهر کلمه و معانی کلمه که فيض ابديست پرتوی بر آن حروف افکنده بود و چون حرف عضوی از اعضای کلمه است لهذا معناً مطابق کلمه است.

اميدواريم که آنچه جناب عمّا نوئيل بشارت داده امروز تو بآن قيام نمائی و يقين بدان که موفّق ميشوی زيرا تأييدات روح القدس پياپی ميرسد و قوّت کلمه چنان نفوذ کند که حرف آئينه مجلّای آفتاب کلمه شود و فيض و انوار کلمه جهانرا روشن نمايد.

امّا اورشليم آسمانی که در قطب امکان استقرار يافته و قدس الأقداس ربّانی که علم افراخته جامع جميع کمالات و تعاليم سابقه است و از آن گذشته منادی وحدت عالم انسانيست و عَلَم صلح عمومی و روح حيات ابديّه و نور کمالات الهيّه و فيض محيط عالم آفرينش و زينت و آرايش آفرينش و سبب آسايش عالم بشر است.

بالواح مقدّسه مراجعت نمائيد اشراقات و تجلّيات و کلمات و بشارات و طرازات و کتاب اقدس ملاحظه مينمائيد که اين تعاليم الهيّه اليوم درمان درد عالم انسانيست و مرهم زخم جسد امکانی روح حياتست و سفينه نجات و مغناطيس عزّت ابديّه و قوّه نافذه در حقيقت انسانيّه \*